

نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری با استفاده طنزگونه از آثار ادبی و هنری دیگران

زهرا شاکری*

استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (مؤسسه حقوق تطبیقی)،
دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰)

چکیده

گروهی از آثار طنز براساس شوخی و مطایبه با آثار ادبی و هنری که پیش تر خلق شده‌اند، شکل می‌گیرند. از آنجا که این امر به نسخه‌برداری و تغییر اثر دیگری منجر می‌شود، از مصادیق نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری تلقی می‌شود. ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن، تغییر اثر دیگری را در صورت لطمه به حیثیت و شهرت مؤلف بر نمی‌تابد و به موجب بند ۱ ماده ۹ نیز، تکثیر اثر بدون اجازه مؤلف امکان‌پذیر نیست. بنابراین، مقاله حاضر تلاش می‌کند با روش تحلیلی-توصیفی تعارض استفاده طنزآمیز با حقوق انحصاری ناشی از حقوق مالکیت ادبی و هنری اثر قبلی را بررسی کرده و راه‌حل‌های مقتضی را برای برون‌رفت در دعاوی مرتبط پیشنهاد کند. به‌طور کلی، آثار طنز با هویت مستقل که دارای درجه‌ای از اصالتند و قصد تخریب یا استهزاء مؤلف اثر نخستین را نداشته و بازار اثر اخیر را نیز تضعیف نمی‌کنند، می‌توانند از اتهام نقض عبور کنند.

کلیدواژگان

آثار طنز، استفاده‌های طنزگونه، حق مادی، حق معنوی، نقض حق مالکیت ادبی و هنری.

* رایانامه نویسنده: zshakeri@ut.ac.ir

مقدمه

از سال‌های بسیار دور یکی از سرگرمی‌های مردم برخوردار طنزآمیز با آثار ادبی و هنری دیگری بوده است. برای مثال، نقاشی کم‌نظیر مونا لیزا بارها دست‌مایه طنزپردازی افراد طنز و نکته‌سنج قرار گرفته است، مونا لیزا با ظرف سیب‌زمینی به دست یا مونا لیزایی که پوششی بر سر دارد، توانسته تبسم را بر لبان بسیاری از مردم نشانده. با وجود این و علی‌رغم انبساط روحی که برای عموم ایجاد می‌شود، این موضوع با چالش‌های حقوقی متعددی روبه‌رو است. نقاشی یادشده اثری هنری است که خالق یا صاحب حق آن از حقوق انحصاری برخوردار است و هرگونه بهره‌برداری از اثر به اجازه خالق یا صاحب حق آن نیاز دارد. از سویی، حق معنوی نقض می‌شود زیرا اثر دچار تعدیل و تحریف شده است و از سویی، اثر بدون اجازه نسخه‌برداری و تکثیر شده است. بنابراین، در ساده‌ترین شکل، حق حرمت که در زمره حقوق معنوی است و حق نسخه‌برداری که در شمار حقوق مادی است، نقض می‌شود. این امر بدان منجر می‌شود که شهروند طنز را با اتهام نقض حق مالکیت ادبی و هنری به محکمه کشاند و دلهره و دلسردی را در مسیر خلق طنز ایجاد کند.

اگرچه استفاده طنزآمیز با چالش‌های ناشی از نقض روبه‌رو است، اما نباید از این امر گذشت که استفاده مذکور نیز خود می‌تواند به خلق اثر خلاقانه مستقل منجر شود. به عبارت دیگر، همان مونا لیزایی که ظرف غذا به دست دارد، می‌تواند اثری باشد که مفهوم و پیام جداگانه‌ای داشته باشد که خالق آن ابتکارهایی را در ایجاد آن به کار گرفته است. بنابراین، شاید بتوان گفت اثر طنز که براساس اثر دیگری شکل گرفته، اثر ثانوی است که درجه‌ای از اصالت را دارد، و می‌تواند مورد حمایت قانون‌گذار قرار گیرد. در برخی کشورها، چنین استفاده‌ای در زمره استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار دارد و استفاده‌کننده در معرض اتهام نقض نیست، یا در دادگاه براساس این استثنا می‌تواند از خود دفاع کند.

بنابراین، در این مقاله مسئله اساسی آن است که استفاده‌های طنزآمیز از آثار دیگران کدام چالش‌های حقوقی را برای خالق اثر طنز ایجاد می‌کند؟ و ابعاد نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری تا کجا گسترش می‌یابد؟ پژوهش فعلی مبتنی بر آن است که استفاده طنزآمیز به‌طور بالقوه با حقوق

انحصاری مؤلفان و هنرمندان در تعارض است، اما ممکن است در چارچوب یک استثنا بررسی شود و از طرفی، در صورتی که اثر طنز درجه‌ای از اصالت داشته باشد، خود می‌تواند به‌عنوان اثری مستقل، از حمایت حقوقی برخوردار شود. ابعاد حقوق این مسئله زمانی جدی می‌شود که فناوری‌های نوین ناشی از نرم‌افزارها و محیط اینترنت توانایی خلق اثر طنز را افزون می‌کنند. همان‌طور که امروزه هر کسی قادر است از طریق نرم‌افزار دابس^۱ مش^۱ فیلم‌ها را دوبله کرده یا آثار موسیقی را اجرا کند. کاری که به‌طور عمده، به صورت طنز و کمدی انجام می‌گیرد. بنابراین، چنین عملی اکنون به بخشی از زندگی بسیاری از مردم و به‌ویژه جوانان، مبدل شده است.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، معنا و مفهوم طنز بررسی می‌شود و در بخش‌های بعد رابطه آثار طنزآمیز و نقض حق معنوی، سپس، رابطه آثار یادشده با نقض حق مادی مطالعه می‌شود و در بخش پایانی، مسئله نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری توسط آثار طنزآمیز بررسی می‌شود.

مقاله حاضر تلاش می‌کند از زاویه حقوق مالکیت ادبی و هنری آثاری را بررسی کند که با صورت طنز، آثار دیگران را تغییر می‌دهد، و آثار طنز مستقل که منبعث از اثر دیگری نیستند، محل بحث نگارنده نخواهد بود.

معنا و مفهوم طنز

طنز در فرهنگ معین به فسوس کردن، مسخره کردن، طعنه زدن و سرزنش کردن (معین، ۱۳۵۳، ص ۲۲۳۷) معنا شده است و در فرهنگ نفیسی علاوه بر معانی یادشده، تهمت زدن و افترا زدن و ریشخند کردن نیز بر معانی آن افزوده شده است (نفیسی، ۱۳۴۳، ص ۲۲۶۲). معادل انگلیسی طنز satire است که از satira^۲ در لاتین گرفته شده که از ریشه satyros یونانی است و در معنای حمله

1. Dubsmash

۲. نام ظرفی پر از میوه‌های متنوع که به یکی از خدایان کشاورزی هدیه داده می‌شد و به معنای واژگانی «غذای کامل» یا «آمیخته‌ای از هر چیز» بود.

به رفتارهای احمقانه و نابکارانه با ابزارهای سرگرم‌کننده در قالب ریشخند و تمسخر است (Oxford University Press, 1989, p.1121).

به‌طور کلی، طنز یکی از انواع ادبی است که نویسنده در آن علت‌ها و نشانه‌های واپس‌ماندگی، عیب‌ها، تباهی‌ها و ناروایی‌های دردناک انسان و جامعه را به قصد اصلاح، با چاشنی خنده و به زیبایی ادیبانه و مؤدبانه برجسته می‌کند، و با اغراق و به اشاره، کنش‌های فردی و اجتماعی را نقد می‌کند. بی‌گمان مقصود از طنز، اصطلاحی بسیار متفاوت با مفهوم هزل و هجو است (خاتمی و باقری، ۱۳۹۳، ص ۳۵). «هزل همان Parody است و در اصطلاح اهل ادب، شعری است که در آن کسی را ذم گویند و بدو نسبت‌های ناروا دهند، یا سخنی که در آن مضامین خلاف اخلاق و ادب آید. افزون بر این، هجو نیز نوعی از طنز است که معایب کسی یا گروهی یا چیزی را به نظم یا نثر بیان کنند و این نوع گاه با دشنام و سخنان تند نیز همراه باشد. در ادب پارسی و تازی و همین‌طور غربی، هجو و طنز غالباً در کنار هم بودند. مانند موش و گربه عبید زاکانی و سفرهای گالیور سوئیفت» (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۴، ص ۱).

در همه آثار طنز با هدف متنبه‌کردن عموم، تلاش می‌شود با اغراق در اشکال یا بیان مطالب یا کم‌اهمیت‌کردن موقعیت‌ها و... در مخاطب، شعف و شادی ایجاد کرده و سرانجام غرض اصلی در لفافی از عبارت‌ها و تصاویر به‌نرمی به وی منتقل شود. طنزپردازان در مسیر پیام‌رسانی به مردم گاهی رفتار شخص یا اشخاصی را نقد می‌کنند، یا آثار ادبی، علمی و هنری دیگری را مبنای تبلور اندیشه خود قرار می‌دهند و با تغییر در آثار دیگران خنده را بر لبان مخاطبان می‌نشانند. برای مثال کاریکاتور است به‌عنوان یکی از اقسام طنزپردازان، می‌تواند با اضافه‌کردن اجزائی یا کم‌کردن بخش‌هایی از یک اثر نقاشی یا عکاسی، مفهوم اثر دیگری را دگرگون کند و پیام خود را به مخاطب برساند. همان‌طور که کاریکاتور عکس مشهور نشسته هرتزل مؤسس حکومت صهیونیستی که از دهان وی خون می‌ریزد و بر روی تخمی نشسته که در حال شکستن و

سربرآوردن جاننداری است،^۱ نمونه‌ای از کاریکاتور یک اثر پیشین است، یا شوخی با نقاشی‌های معروف و نگوگ مانند مردی که گردن خود را بسته و پیپ به لب دارد، بارها در جراید و رسانه‌ها انعکاس یافته است.^۲

آثار طنزآمیز و حق معنوی اثر دیگری

حقوق پدیدآورنده آثار ادبی و هنری بر دو قسم است: حق مادی و حق معنوی. حق معنوی در قالب حق افشاء، حق بر نام، حق حرمت اثر و جز آن قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اجازه پدیدآورنده تصمیم به نخستین انتشار اثر بگیرد، همواره باید نام پدیدآورنده بر روی اثر باشد و هیچ‌کس حق تغییر و دگرگونی اثر را ندارد. اما هنگامی که قرار است با اثر دیگری مزاح شود، طنزپرداز ناگزیر است دخل و تصرفی را در اثر دیگری ایجاد کند تا در نتیجه این دگرگونی تبسم و خنده شکل بگیرد. اگرچه این امر ضرورت کار طنزپردازی است، اما با حق معنوی در تعارض قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، خالق اثر طنزپردازانه حتی اگر در بخشی از اثر خود به نام پدیدآورنده اثر اصلی تصریح کند، اما به اقتضای کار خود باید در اثر اصلی تغییر ایجاد کند و جرح و تعدیل بعضاً گسترده‌ای را انجام دهد و این به معنای نقض حق معنوی (حق حرمت یا تمامیت اثر) است. طنزپرداز، یکی از اصلی‌ترین حقوق مؤلف، یعنی حق معنوی وی را هدف قرار داده و به دخل و تصرف اثر پرداخته است و به شهرت و سابقه مؤلف لطمه وارد می‌کند. برای مثال، وی، مسیر یک داستان یا ادبیات یک شعر را تغییر می‌دهد و با این اقدام تلاش می‌کند تبسمی بر لبان مخاطب نشانند و او را غرق در تفکر و تأمل کند. همان‌طور شاعر طنزپرداز معاصر،

۱. کاریکاتوری که ۲ خرداد ۱۳۹۰ توسط عباس گودرزی در خبرگزاری فارس منتشر شده است. این کاریکاتور در آدرس زیر قابل دسترسی است:

http://www.talkhandak.com/wp-content/gallery/cache/367__550x740_hertzal-666_0.jpg

۲. برای مطالعه در زمینه این استفاده طنزآمیز به آدرس ذیل مراجعه کنید:

<http://www.honaronline.ir/Pages/News-68655.aspx>

روح ا... احمدی، با این بیت حافظ شیرازی که می‌گوید: نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد، مزاح می‌کند و می‌گوید: «نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت، چطور یک‌شبه حکم ریاستش آمد!»^۱ در این زمینه باید اضافه کرد که امروزه با ظهور فناوری‌های جدید توانایی تغییر اثر دیگری افزون‌تر شده است و با نرم‌افزارهای جدید می‌توان اثر دیگری را جرح و تعدیل کرد و به سادگی پیام اثر اصلی را مخدوش کرد.

پدیدآورنده طناز به منظور نقد محتوا یا شخص پدیدآورنده اثر اصلی، به اضافه یا انتقال بخش‌هایی از اثر می‌پردازد و این می‌تواند با ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن در تعارض قرار گیرد. مطابق با بند ۱ ماده یادشده، مستقل از حقوق مالی پدیدآورنده، حتی پس از انتقال این حقوق، پدیدآورنده دارای حق ولایت نسبت به اثر است و می‌تواند به هرگونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه دیگر نسبت به آنکه موجب خدشه‌دار شدن اعتبار یا شهرت او شود، اعتراض کند. در ماده یادشده، پدیدآورنده حق تمامیت دارد، اما قید عدم لطمه به حیثیت یا شهرت نیز وجود دارد، بنابراین، بدیهی است صرف تغییر منجر به لطمه نمی‌شود. اما برخورد طنزآمیز و انتقادی با اثر می‌تواند به‌طور بالقوه حیثیت و اعتبار خالق را نشانه رود. اگر چنین قیدی نباشد (در بعضی کشورها چنین است، مانند ماده ۱۹ قانون حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران^۲)، هرگونه تغییر اثر به نقض حق معنوی منجر می‌شود و این امر طنزپرداز را در مواجهه با پدیدآورنده قرار می‌دهد. برای مثال، مارسل دوچمپ^۳ با اضافه کردن سیل به اثر لبخند مونالیزای داوینچی، برخورد طنزآمیزی را با آن انجام می‌دهد^۴ و بدون قید اخیر، وی مرتکب نقض حق معنوی شده است.

۱. شعری که در ۲۰ مهر ۱۳۹۳ در خبرگزاری فارس منتشر شده است. قابل دسترس در:

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930720000877>

۲. هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

3. Marcel Duchamp.

4. See: <http://www.magazine.aftabnetdaily.com/16/%DB%8C%DA%A9-%D9%85%D9%88%D9%86%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B2%D8%A7-%D8%A7%D8%B2-%D8%A2%D9%86%D9%90-%D9%85%D9%86>

جایگاه حق معنوی در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری اهمیت ویژه‌ای دارد، اما این مرتبه در نظام‌های حقوق نوشته^۱ فزونی گرفته است (Aide, 1990, p.222). بنابراین، دیدگاه متفاوت نسبت به اهمیت حقوق معنوی و حقوق مادی نسبت به یکدیگر، بر مسئله سایه افکننده است و بسته به آنکه نظام حقوقی مبتنی بر حقوق عرفی^۲ یا نوشته باشد، تحقق نقض حق معنوی در استفاده‌های طنزآمیز پاسخ متفاوتی دارد.

در حق سنتی حرمت اثر مبتنی بر نظام حقوق نوشته، هرگونه تغییر و اصلاح اثر دیگری به شخصیت مؤلف آسیب می‌زند و اساساً نیازی به اثبات لطمه به حیثیت نیست و هرگونه اصلاح و تغییر نقض حق تلقی می‌شود. اما در نظام حقوق عرفی، صرف تغییر و اصلاح، نقض حق نیست و نقض در چارچوب حقوق شخصیت یا حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه بحث می‌شود (WIPO, 2003, pp.44-45). از این رو، در کنوانسیون برن برای تأمین دیدگاه کشورهای حقوق عرفی قیدی نیز افزوده شده است. بنابراین، حق حرمت تنها در فرض لطمه به حیثیت و شهرت مؤلف نقض می‌شود. اما این پرسش مطرح است که مراد از لطمه یادشده چیست؟ کنوانسیون در این زمینه راهنمایی بیان نمی‌کند. اما به نظر می‌رسد اگر تغییر در اثر دیگری به تغییر قضاوت و نظر مردم نسبت به مؤلف منجر شود، لطمه تحقق یافته است. از سویی، این پرسش مطرح است که تضییع شهرت باید در میان عموم مردم باشد، یا جامعه ادبی و هنری؟ تفسیر مضیق، این لطمه را می‌تواند به جامعه یا انجمن تخصصی که پدیدآورنده به آن تعلق دارد، محدود کند. همچنین، مخدوش شدن نام نیک و حسن شهرت باید قید اعمال ناقض حق باشد، چه در غیر این صورت، ایجاد اعتبار مضاعف در اینجا مورد توجه نیست. استفاد از ماده (۳) ۱۴۳ قانون مالکیت فکری مصر^۳، هرگونه اصلاح اثر می‌تواند تحریف یا ناقص کردن اثر تلقی شود. اما اصلاح در مسیر ترجمه نقض حق نیست، مگر مترجم از نشان دادن حذف یا تغییرات قصور کند یا سبب لطمه به شهرت یا موقعیت

1. Civil law

2. Common Law

3. Law on the Protection of Intellectual Property Rights No.82, 2002

پدیدآورنده شود. مشابه این مقررات در کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود، همان‌طور که در برزیل^۱، پدیدآورنده حق اعتراض به هرگونه عملی را دارد که نتیجه عکس روی اثر دارد یا به شهرت وی آسیب وارد می‌کند (ماده (IV) ۲۴ قانون کپی‌رایت). همچنین، استفاده‌های طنزآمیز اگر به صورت تکثیر واقعی اثر اصلی نبوده و موجب وهن اثر اصلی نباشد، مجاز است (ماده ۴۷ قانون کپی‌رایت). در کره^۲ با تأکید بر محدود بودن اصلاحات، موارد تعدیل قلمرو حق معنوی به صراحت بیان شده است و تغییر برای اهداف آموزشی، بازسازی یا تغییر شکل آثار معماری، به‌کارگیری نرم‌افزار در رایانه‌های دیگر و هرگونه اصلاحی که به دلیل اجتناب‌ناپذیری و با توجه به ماهیت اثر به‌منظور بهره‌برداری از اثر ضروری بوده، پذیرفته شده است (ماده ۱۳ قانون کپی‌رایت).

به‌طور کلی، موارد اعتراض پدیدآورندگان دربارهٔ برخورد طنزآمیز با آثارشان قابل توجه است. ورثه و ویکتور هوگو نسبت به خلق اثر طنزآمیز از بینوایان واکنش نشان دادند.^۳ یا سازندگان فیلم‌های مشهور که آثارشان به‌طور طنزآمیز در آثار تبلیغات به‌کار گرفته می‌شود معترض هستند (Adeney, 2005, p.110). این اعتراض در چارچوب نقض حق معنوی تحلیل شدنی است. به‌طور کلی، امروزه دادگاه‌های کشورهای مختلف به حقوق نوشته تمایل دارند که استفاده طنزآمیز را به خوبی مطالعه کنند و اینکه آیا طنزپرداز فقط قصد شوخی ساده را داشته یا می‌خواهد حیثیت و اعتبار خالق اثر را نیز مخدوش کند؟ بعضی محاکم تأکید می‌کنند انتشار یک اثر به‌خودی‌خود نقض حق معنوی نیست (Cornu, 2008, pp.281-302). در آلمان تغییر شخصیت، حال و هوا و فضای اثر اول، می‌تواند به نقض منجر شود (Sainsbury, 2007, p.159)، اما این فقط یک امکان است و تغییر به‌خودی‌خود لطمه به شخصیت و حیثیت نیست اما تجمیع فضای اثر نخست با اغراض نژادپرستی، پورنوگرافی و جز آن، می‌تواند لطمه به حیثیت را اثبات کند. به‌عبارت دیگر، به نظر می‌رسد اگر اثر نخست حقیقتاً با اهداف نژادپرستی بیگانه بوده است، برخورد طنز با آن در قالب

1. Law No. 9610 of February 19, 1998, on Copyright and Neighboring Rights.

2. Copyright Act, Enforced on July 23, 2009, Law No. 9625, April 22, 2009 amendment.

3. Pierre Hugo et SGDLc. Société Pion et François Céséra (2004, CA Paris, 4e ch, 31 March 2004, 202 RIDA 2004.

منویات نژادپرستانه درست نیست، زیرا ممکن است مخاطب تلقی کند که مؤلف اثر اصلی نیز بر عقیده متمایل به نژادپرستی است.

مواد ۵-۱۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه^۱ تصریح می‌کند پس از نخستین افشای اثر، مؤلف نمی‌تواند با ملاحظه قواعد ژانر، طنز و کاریکاتور را ممنوع کند. طنز با هدف انتقادی و شوخی مجاز است و هدف از آن نباید تخریب باشد. بنابراین، مخاطبان باید بتوانند میان دو اثر تمیز قائل شوند و اثر طنزآمیز نباید به گمراهی مخاطبان منجر شود. برای مثال، یکی از مواقعی که ممکن است استفاده طنزآمیز به اعتبار مؤلف اول لطمه وارد کند، جایی است که اثر طنز طوری باشد که اصلاً از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی با نظر مؤلف اول تطابق نداشته باشد. همان‌طور که طبق نظر دادگاه تجدیدنظر پاریس استفاده از اثر موسیقی در فیلمی با موضوع ضدشوروی سابق یا در آلبومی با موضوع نئوفاشیسم که اساساً موسیقی دان (مؤلف اثر اصلی) با این عالم‌ها بیگانه بوده، مضر به حسن شهرت پدیدآورنده است.^۲ به عبارت دیگر، در این شرایط، طنزپرداز اغراض مؤلف اول را مخدوش کرده و این ابهام را ایجاد کرده که مثلاً مؤلف اثر اصلی هوادار نئوفاشیسم بوده است. بنابراین، استفاده از اثر نخستین در شرایطی که موردنظر پدیدآورنده نبوده است، اما موقعیت طنزآمیزی را فراهم می‌کند نیز می‌تواند مورد اعتراض واقع شود (Sainsbury, 2007, p.14). از این رو، برخی محافل ادبی و هنری از رعایت حق معنوی در صورت استناد به استثنا استفاده طنزآمیز سخن به میان آورده‌اند و رعایت نکردن حق معنوی را به عدم جواز به‌کارگیری اثر دیگری برای اهداف طنزآمیز تعبیر کرده‌اند.^۳ در این میان، در برخی استفاده‌های طنزآمیز علی‌رغم ایجاد وهن و لطمه معنوی، غرض اجتماعی نیرومندی وجود دارد که دادرس را قانع می‌کند استفاده مجاز بوده

1. Intellectual Property Code, Act No. 94-361 of 10 May 1994.

2. See: Soc Le Chantdu Monde v. Soc Fox Europe (1953) RecueilDalloz [D Jur] 16, 80 (Courd'Appel, Paris).

3. See: National Association for the Visual Arts Submission, Fair Use and Other Copyright Exceptions at4, [http://www.icdr.gov.au/www/agd/rwpattach.nsf/VAP/\(AEEBC4E05675B564D2489B776B8B056A\)-p124+National+association+for+the+visual+arts.PDF/\\$file/p124+National+association+for+the+visual+arts.PDF](http://www.icdr.gov.au/www/agd/rwpattach.nsf/VAP/(AEEBC4E05675B564D2489B776B8B056A)-p124+National+association+for+the+visual+arts.PDF/$file/p124+National+association+for+the+visual+arts.PDF).

است. برای نمونه انجمن خانواده آمریکا علی‌رغم مخالفت پدیدآورنده اثر اصلی با هدف مبارزه با ایدز و آشنایی مردم با بیماری، تصاویر جنسی را ضمیمه اثر اصلی می‌کند^۱ و دادگاه نیز بر این استفاده صحه می‌گذارد. بنابراین، حقیقت آن است که هدف انجمن روشنگری اجتماعی بوده و این موضوع آنقدر حیاتی است که استفاده از اثر دیگری را موجه کند. با وجود این، تغییر هدف اثر اصلی و استفاده از آن در اغراض خلاف اخلاق به‌طور بالقوه می‌تواند به حیثیت و شهرت مؤلف اثر نخستین آسیب وارد کند و در این زمینه، محاکم باید تأمل بیشتری داشته باشند.

آثار طنزآمیز و حق مادی اثر دیگری

اصولاً در استفاده‌های طنزگونه حق مادی پدیدآورنده نیز در معرض تهدید است، زیرا اثر اصلی بدون اجازه صاحب آن نسخه‌برداری و عرضه شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، استفاده طنز بر روی همان اثر اصلی نیست و طنزپرداز بر روی نسخه تکثیرشده تغییر و اصلاح را اعمال می‌کند، سپس، این نسخه را در دسترس عموم قرار می‌دهد. بنابراین، از آنجا که چنین استفاده‌ای غیرمجاز است، حق مادی نقض می‌شود. بنابراین، طنزپرداز باید در پی راهی باشد که از این چالش جدی عبور کند. از این رو، باید بررسی کرد که استفاده طنزگونه می‌تواند در قالب استثنائات بر حق مادی متصور باشد؟ در ادامه، این موضوع را در قالب معیارهای استثنائات تحلیل می‌کنیم.

آزمون سه‌گام

کنوانسیون برن و سایر معاهدات بین‌المللی مانند موافقت‌نامه تریپس مقرر صریحی درباره استفاده طنزآمیز ندارند، اما بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن (و ماده ۱۳ موافقت‌نامه تریپس) می‌تواند به‌عنوان معیار استفاده مجاز بررسی شود. این بند بیان می‌کند: «برای قانون‌گذاران کشورهای عضو اتحادیه

1. See: *Wojnarowicz v. American Family Association* 745 F Supp 130 (1990).

اختیار اعطای اجازه تکثیر این آثار در موارد خاص [و] مشخص محفوظ است، مشروط بر اینکه چنین تکثیری با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض نباشد و به منافع قانونی پدیدآورنده زیان غیرمعقولی (غیرموجه) وارد نسازد.^۱ ماده اخیر آزمون سه‌گام را برای هر استثنائی مقرر می‌کند و نخستین شرط یک استثنا آن است که خاص و مشخص باشد. بنابراین، ابتدا، باید استثنائی را تصور کرد که دامنه موسعی ندارد و باید حدود و ثغور آن تعریف شود (حبیبیا و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴). از نظر تحلیلی به نظر می‌رسد استفاده باید قلمرو کمی و کیفی محدودی داشته باشد. بنابراین، در موضع مورد بحث، از آنجا که هدف به‌طور خاص هزل‌نویسی و طنزپردازی بوده، استفاده، خاص و مشخص است، اما در عمل، همه گونه‌های آثار می‌توانند هدف طنزپرداز باشند و از سویی، مرزی برای طنزپردازی متصور نیست و طنزپرداز تلاش می‌کند برای انجام دادن کاری مطلوب، همه ظرفیت‌ها را به کار گیرد. بنابراین، در عمل ممکن است خاص و مشخص بودن به‌سختی تحقق یابد. بنابراین، محدود و مشخص کردن استفاده طنزگونه به رعایت گام‌های دیگر آزمون نیاز دارد.

همچنین، در گام دوم استثنائی مد نظر است که رقبای آتی مؤلفان را پرورش ندهد و آنان را از سودی که انتظار آن را دارند محروم نکند. هر استفاده‌ای از اثر که در قلمرو حق انحصاری قراربگیرد و با سود تجاری همراه باشد، با بهره‌برداری عادی مخالف است (WTO, 2000, p.48). همچنین، اگر در جامعه شکلی از بهره‌برداری رایج می‌شود که می‌تواند منبع درآمد مهمی برای مؤلف باشد، در قلمرو بهره‌برداری قرار می‌گیرد. همان‌طور که اگر بسیاری از مؤلفان بتوانند از فروش یا تجویز بهره‌برداری نسخه الکترونیکی کتاب‌هایشان به سود قابل توجهی دست یابند، این نحوه بهره‌برداری، یک بهره‌برداری عادی تلقی می‌شود (حبیبیا و شاکری، ۱۳۹۲، ص ۲۱۷-۲۱۶). اما

۱. ماده ۱۳ موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس): اعضا باید محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری را در موارد مشخص [و] خاص که با بهره‌برداری از اثر در تعارض نیست و لطمه غیرمعقولی به منافع قانونی ذی‌حق نمی‌رساند، اعمال کنند.

درباره گام دوم باید گفت که آیا اثر طنزآمیز می‌تواند مانع بهره‌برداری عادی اثر مؤلف اثر اصلی شود؟ امکان دارد جذابیت طنز بر بازار مؤلف اصلی مؤثر باشد و مانع بهره‌برداری عادی از اثر شود (اگرچه این امکان نیز وجود دارد که اثر طنز موجب افزایش فروش اثر اصلی شود) و بنابراین، باید به بررسی مورد به مورد پرداخت.

در گام سوم، یک استثنا نباید به منافع قانونی صاحب حق، لطمه را به صورت غیرمعقولی^۱ وارد کند. به عبارت دیگر، در گام پایانی، این جواز وجود دارد که لطمه معقول به منافع صاحب حق وارد شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آسیب باید اساسی و مهم باشد (حیبا و شاکری، ۱۳۹۴، ص ۸۰)، تا استثنا منتفی شود. برخی نویسندگان بیان کرده‌اند که پرداخت مابه‌ازا می‌تواند زیان‌های وارده را معقول کند (Goldstein, 2010, p.366). اما این امر فقط در بعد حقوق مادی است که می‌تواند زیان‌های صاحب حق را جبران کند و بحث حق معنوی هنوز باقی است. به‌ویژه در نظام‌های حقوق نوشته که حق معنوی اهمیت خاصی دارد، نمی‌توان لطمه یا تعدیل به حق افشاء یا حق بر نام را متصور بود و هرگونه تعدی به حق معنوی می‌تواند به صورت غیرمعقول تلقی شود. بنابراین، در استفاده‌های طنزگونه با رعایت حق معنوی می‌توان استفاده را موجه کرد. از طرفی، اهداف غیرتجاری یا استفاده‌هایی که مبتنی بر پرداخت عوضی به مؤلفان یا سازمان‌های مدیریت حقوق جمعی باشد، می‌تواند راه‌گشا باشد.

بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون برن، بر محور حقوق انحصاری پدیدآورنده بیان شده است و بهره‌برداری‌های عمومی تنها در شرایطی تجویز می‌شود که در دایره بهره‌برداری‌های عادی پدیدآورنده قرار نگیرد و به منافع قانونی وی زیان غیرمعقولی را وارد نکند. بنابراین، به‌طور معمول در دعاوی که به محدودیت‌ها و استثنائات وارد بر حقوق انحصاری استناد می‌کنند تفسیرهای بیان‌شده از معیار سه‌گام به سود مؤلف یا صاحب حق خواهد بود. این امر در کشورهای که دیدگاه‌های مؤلف‌محور دارند، به‌وضوح مشاهده‌شدنی است. همان‌طور که در فرانسه که خاستگاه

1. Unreasonable (injustifié).

دکترین‌های شخص‌محور در حقوق مالکیت فکری است، هنگامی که با پرونده‌هایی روبه‌رو می‌شوند که یکی از شهروندان در تعقیب استناد به استثنائات در محیط‌های دیجیتال است با تفسیر مضیق معیار، دسترسی وی در شرایط جدید را غیرممکن تلقی می‌کنند (شاکری، ۱۳۹۱، ص ۶). با وجود این، طنزپردازی یکی از جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های زندگی ماشینی امروز است و شاید به همین دلیل است که برخی قانون‌گذاران، آن را از مقوله استثنائات تلقی می‌کنند، بنابراین، برای ایجاد موازنه میان حقوق مؤلف و جامعه به نظر می‌رسد که باید مرزهایی را برای آن تعریف کرد. در این میان غیرتجاری بودن اثر طنز می‌تواند مانع مربوط به گام دوم را برطرف کند، از سویی، هدف انتقادی^۱ طنز نیز می‌تواند، گام نخست را منعطف و لطمه را معقول کند. افزون بر این، اگر هدف طنزپرداز استهزاء یا ترویج کینه‌توزی یا امثال آن باشد، در چارچوب گام سوم قرار نخواهد گرفت. همچنین، برای رعایت حق معنوی باید تأکید کرد که حق افشای مؤلف باید اعمال شده باشد و نام مؤلف نیز در هر حال بیان شود. علاوه بر این، بعضی نویسندگان بیان می‌کنند باید به قدر کافی میان دو اثر تفکیک وجود داشته باشد (کرنو و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱). بنابراین، احتمال دارد با رعایت پیشنهادهای یادشده، تغییر در اثر برای خلق اثر طنز مطابق با آزمون سه‌گام تشخیص داده شود.

معیار آزمون سه‌گام در لایحه قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری نیز مورد توجه بوده و در ماده ۱۸ آن (نسخه‌ای که نگارنده به آن دسترسی دارد)، بهره‌برداری از آثار مورد حمایت این قانون در چارچوب مقررات فصل سوم و برای مقاصد غیرتجاری بدون اجازه دارنده حقوق، مشروط بر اینکه با بهره‌برداری عادی از اثر منافاتی نداشته باشد و به منافع قانونی وی زیان غیرمتعارف وارد نکند، مجاز است. در این لایحه استثنا خاص مربوط به استفاده طنز پیش‌بینی نشده است، اما می‌توان از ماده ۲۷ که مربوط به نقل قول است، بهره گرفت. این ماده بیان می‌کند: «نقل از اثرهایی که به صورت قانونی انتشار یافته و استناد به آن‌ها برای مقاصد علمی، ادبی، هنری، آموزشی،

1. See: Suntrust v. Houghton Mifflin 252 F3d 1165 (11th Cir 2001), Shultz et United Syndicate Inc v. Editions Albin Michel, Marion Vidal TGI Paris, 19 January 1977 (1977) 92 RIDA 167.

پژوهشی، تربیتی و اطلاع‌رسانی و به صورت انتقاد و تقریظ و به میزانی که هدف مورد نظر را تأمین کند، با ذکر مأخذ و نام پدیدآورنده در حدود متعارف مجاز است؛ مگر اینکه اثر بی‌نام باشد». بنابراین، استفاده‌های طنزگونه که به صورت انتقادی بوده و در چارچوب اهداف مصرحه هستند، مشمول ماده می‌شوند، اما این ماده آثار طنزی را که در چارچوب اهداف صرفاً سرگرمی و طنزانه خلق می‌شوند، شامل نمی‌شود. بنابراین، نیاز به تصویب ماده مستقلی در این زمینه وجود دارد.

استفاده منصفانه

«مفهوم استفاده منصفانه یکی از پرکاربردترین مفاهیم در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری کشورهای حقوق عرفی^۱ است و با اصطلاح رفتار منصفانه^۲ نیز استعمال می‌گردد. به‌طور کلی، در دعاوی نقض مالکیت ادبی و هنری کشورهای حقوق عرفی یکی از اصلی‌ترین دفاعیات خواندگان آن است که آن‌ها به صورت منصفانه از اثر دیگری استفاده کرده‌اند و لذا مرتکب نقض نشده‌اند و در صورتی که قاضی این دفاع را بپذیرد، رأی بر براءة خواننده صادر می‌نماید. اما این دفاع به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و خواننده باید در خصوص چند عنصر قانونی دادرس را قانع کند» (شاگری، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸). معیار استفاده منصفانه آمریکا، حقوق انحصاری مقرر در ماده ۱۰۶ قانون حقوق مالکیت ادبی و هنری آمریکا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و جواز نسخه‌برداری در زمینه نقد، اظهار نظر، گزارش خبری، تدریس، آموزش و پژوهش و مانند آن را صادر می‌کند^۳ و مبتنی بر چهار عنصر است: الف) هدف و ویژگی استفاده؛ ب) ماهیت اثر دارای مالکیت ادبی و هنری؛ ج) میزان و ماهیت‌بخش استفاده‌شده در برابر کل اثر؛ د) نتایج استفاده بر بازار بالقوه اثر یا ارزش اثر دارای مالکیت ادبی و هنری. در ارزیابی منصفانه‌بودن، آنچه اهمیت دارد، این است که تجاری‌بودن استفاده از اثر دیگری بر منصفانه‌بودن استفاده تأثیرگذار است. اما به‌تازگی در ایالات متحده، نظریه جدیدی در زمینه منصفانه‌بودن مطرح است که دگراندیشی مهمی در نظام حقوق

1. Common Law

2. Fair dealing

3. 17 U.S.C. §107

عرفی محسوب می‌شود. این نظریه، «آزمون استفاده دگرگون‌کننده»^۱ نام دارد که به‌موجب آن، اثر جدیدی که بر اساس اثر نسخه‌برداری شده خلق شده است، واکاوی ماهوی شده است و کارشناس حقوقی این پرسش را از خود می‌پرسد که آیا اثر جدید چیزی بر اثر قبلی افزوده؟ آیا در اثر جدید، بیان، معانی و مفهوم اثر اصلی (قبلی) تغییر کرده است؟ به عبارت دیگر آیا اثر جدید، انتقال‌دهنده اثر قبلی یا همان اثر است؟ (شاکری و حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۵). برای مثال، دادگاه در پرونده شخصی که رمانی را در ادامه داستان بربادرفته می‌نویسد، طنز رمان دوم را براساس استفاده منصفانه می‌پذیرد. در این پرونده، مؤلف اثر دوم در اثر طنزآمیز خود تلاش می‌کند تصویر ارائه‌شده از برده داری در بربادرفته را نقد کند و در این هدف خود عناصری از اثر اول را نیز در خود می‌گنجانند. اما طنز اثر دوم به میزانی است که هویت مستقلی را برای اثر دوم رقم می‌زند.^۲ از سویی، این پرسش مطرح است که آیا اثر دوم بر بازار اثر اول تأثیرگذار است؟ بی‌شک رمان (و فیلم) بربادرفته آن‌قدر وزین و مشهور بوده که بعید است فروش اثر دوم بر بازار اثر اول تأثیرگذار باشد. از طرفی، درک و تحلیل اثر دوم به مطالعه اثر اول نیازمند است، زیرا دریافت مفاهیم طنزآمیز و نکته‌های نغز مؤلف دوم منوط به دریافت مفاهیم اثر اول است. از این رو، افزایش فروش اثر اول در این میان دور از انتظار نخواهد بود (Sainsbry, 2007, p.158). اما امکان دارد اگر اثر دوم به نقد و بررسی بیشتر اثر اول منتهی شود، با کاهش خرید اثر اول روبه‌رو شویم.

اما در پرونده دیگری که طنزپرداز عکس را با تغییراتی به اثری فکاهی تبدیل کرده است، استفاده منصفانه قبول‌نشده است.^۳ زیرا شباهت دو اثر آن‌قدر زیاد بوده که مخاطب معتقد است اثر طنز همان اثر اصلی است. بنابراین، اثر طنز هویت مستقل و اصالت نخواهد داشت. از سوی دیگر، استفاده تجاری در این پرونده موجب می‌شود استفاده منصفانه را کم‌رنگ‌تر کند.

1. Transformative Use

2. See: *Suntrust v. Houghton Mifflin* 252 F.3d 1165 (11th Cir 2001)

3. See: *Rogers v. Koons*, 960 F.2d 301 (2d Cir. 1992)

استثنا در استفاده‌های طنزگونه

در برخی مقررات، به طور خاص استثنائی در زمینه استفاده طنزگونه مقرر شده است، همان‌طور که در ماده (k) (۳) دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره هماهنگ کردن مقررات کپی‌رایت کشورهای عضو، به کشورهای عضو اجازه داده می‌شود، استثنا یا محدودیتی را نسبت به حق تکثیر، به اطلاع و در دسترس عموم قرار دادن، یا حق توزیع به منظور کاریکاتور، تقلید طنزآمیز مقرر کنند.^۱ (مشابه همین ماده در قوانین کشورهای عضو اتحادیه مانند فرانسه (ماده L122-5 قانون مالکیت فکری) نیز وجود دارد).

در این مقرره، تعریف مشخصی از تقلید طنزآمیز بیان نشده است و این به عرف و درک عمومی از طنز واگذار می‌شود. اما به هر حال، دو عنصر در این استفاده وجود دارد. یکی آنکه دو اثر از یکدیگر مستقل باشند، که این بدان معناست که اثر طنز درجه‌ای از اصالت و خلاقیت مؤلف خود را داشته باشد و مخاطبان بتوانند بین دو اثر تمییز دهند و این همان هویت مستقل دو اثر است و دوم آنکه اثر دوم براساس شوخ‌طبعی و استهزا اثر دیگری خلق شود. در اینجا شایان ذکر است شوخی با ایده اثر دیگری محل بحث نیست. زیرا مطابق با اصول کلی نظام مالکیت ادبی و هنری، ایده قابل حمایت نیست و نظام‌های حمایت از آثار ادبی و هنری از آثار در قالب شکلی بیانی حمایت می‌کنند نه از ایده تنها (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۳۰) و «افراد در استفاده از ایده دیگری آزادند، مگر آنکه ایده در قالب مادی تجلی پیدا کند. در واقع، درباره ایده‌ها، هر خواننده‌ای می‌تواند آن را دریابد یا با فکر و تأمل به آن دست یابد، اما شکل اثر از سوی پدیدآورنده ایجاد می‌شود و متعلق و مختص اوست و دیگران نمی‌توانند از آن بهره‌برداری کنند» (محسنی و قبولی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

1. Directive 2001/29/EC of the European Parliament and of the Council of 22 May 2001 on the harmonisation of certain aspects of copyright and related rights in the information society, The Official Journal of the European Union (OJ), 2001, L 167, pp.10-19.

نقد استفاده‌های طنزآمیز

همان‌طور که بیان شد، استفاده‌های طنزآمیز از سویی می‌توانند نقض‌کننده حق مالکیت ادبی و هنری دیگری باشند و از سویی، می‌توانند خود اثری ادبی و هنری مستقل تلقی شوند. در مقام جمع این دو نکته باید گفت اگر استفاده طنزی بتواند خود ویژگی‌های یک اثر مستقل را داشته باشد، حمایت می‌شود و ممکن است از اتهام نقض نیز بگریزد. در برخی کشورها اثر طنز در قالب اثر اقتباسی تحلیل می‌شود. برای مثال، در آلمان (ماده ۲۴ قانون کپی‌رایت) یا اتریش (ماده ۲) ۵ قانون کپی‌رایت)، اگر اثر طنز یک اثر اصیل و جدید باشد، حمایت می‌شود یا در آمریکا اگر اثر طنز چیزی را با هدف دیگری بر اثر اصلی افزوده یا جایگزین کند و موفق شود مفهوم و پیام اثر اصلی را تغییر دهد، خود به‌عنوان اثر با هویت مستقل تحلیل می‌شود (Senftleben, 2012, p.348) و این همان استفاده‌ای است که منصفانه تلقی می‌شود. اداره مالکیت فکری انگلیس تصریح می‌کند اثر طنز نباید جایگزین اثر اصلی شود و به بهره‌برداری تجاری از اثر اصلی زیان وارد کند^۱ (UK Intellectual Property Office, 2012, pp.1-11). بنابراین، خلق آثار طنزآمیز از آثار دیگران که هویت مستقلی داشته و بازار اثر اصلی را تضعیف نکرده و لطمه‌ای به حیثیت مؤلف اثر نخستین وارد نمی‌کنند، مجاز است. افزون بر این، استننا صریح استفاده طنزآمیز نیز در نظام‌های مختلف حقوقی کارگشاست و می‌تواند طنزپردازان را در هنرنمایی خود مطمئن کند تا بدون دغدغه‌های حقوقی به خلق اثر اقدام کنند. در همین اواخر، در یکی از دعاوی مشهور، خواهان کتاب طنزی^۲ داشت که روی جلد آن تصویر مردی در حال پرواز بر فراز شهر مشاهده می‌شد که روی مردم سکه می‌ریخت. پس از چندی، خواننده سالنامه‌ای را منتشر می‌کند که تصویری مشابه کتاب خواهان دارد. تصویر سالنامه‌وی تفاوت‌هایی داشت. در این تصویر، شهردار شهر گنت^۳ همان مرد

1. <http://webarchive.nationalarchives.gov.uk/20140603093549/http://www.ipo.gov.uk/ia-exception-parody.pdf>
2. Suske en Wiske.

۳. شهری در بلژیک (Ghent)

در حال پرواز بر فراز شهر است که سکه‌ها را می‌ریزد، اما مردم روی زمین با پوششی خاص و رنگ‌آمیزی متفاوت مشاهده می‌شوند.^۱ در این پرونده، خواهان به دلیل نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری علیه خواننده اقامه دعوا می‌کند. اما خواننده معتقد است در چارچوب استثنا استفاده طنزآمیز و با قصد طنز سیاسی چنین اقدامی را انجام داده است. دیوان عدالت اروپا تأکید می‌کند که دارنده حق از نفع قانونی در اینکه اثر اول با اثر طنزآمیز ارتباط ندارد، برخوردار بوده و این به معنای رعایت حق تمامیت اثر است. این دیدگاه موجب می‌شود نظر کشورهای که تفسیر موسعی از حق تمامیت دارند و هرگونه استفاده از اثر در خارج از چارچوب آن بدون هرگونه حذف یا تغییر را نقض می‌دانند، تعدیل کند (Rosati, 2014, p.13). در نظام‌های حقوق نوشته، درباره این آثار برخورد سخت‌گیرانه‌تری می‌شود و اثر دوم نباید همراه‌کننده بوده و لطمه شخصی به پدیدآورنده نخست وارد کند و صرفاً باید به دنبال شوخی باشد. برای مثال یکی از آرای مربوط به فرانسه تصریح می‌کند که هدف از استفاده‌های طنزآمیز باید سرگرمی بدون لطمه باشد^۲ (Rosati, 2014, p.6).

بنابراین، با عنایت به تقریرات پیشین، قانون‌گذار با شناسایی استفاده‌های طنزآمیز به‌طور خاص، یا پذیرش معیار استفاده منصفانه یا آزمون سه گام (یا استفاده متعارف در ماده ۷ قانون حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ایران)، یا تحلیل اثر طنز در قالب یک اثر اقتباسی، به استفاده طنزآمیز مجوز داده است. اما این استثنا تفاوت‌هایی با سایر استثنائات وارد بر حقوق مالکیت ادبی و هنری دارد، چه در استفاده‌ای کتابخانه‌ای برای مثال، فقط امکان خلق اثر تازه وجود دارد، اما در استفاده‌های طنزآمیز عملاً اثری نو خلق می‌شود. بنابراین، دادگاه‌ها در تفسیر استثنا باید منافع دارندگان حق و مردم را در نظر بگیرند و در بعضی موارد تفسیر گسترده به نفع طنزپرداز ضروری است (Griffiths et al., 2015, p.8). در پرونده دکماین، استثنای استفاده طنزآمیز تحت پوشش حق

1. Johan Deckmyn and Vrijheidsfonds VZW v. Helena Vandersteen and Others, C-201/13, EU:C:2014:2132.

2. See: Tribunal de Grande Instance de Paris 3ème chambre, 3ème section, Judgment on 13 February 2001, SNC Prisma Presse et EURL Femme / Charles V. et association Apodeline.

آزادی بیان قرار گرفته است و به منظور ایجاد موازنه منصفانه میان حقوق اساسی و رعایت تناسب میان منافع، تفسیر مضیق از استثنائات مردود است (Griffiths et al., 2015, p.10)، و این همان تفسیر به نفع استفاده طنزآمیز خواهد بود.

نباید فراموش کرد امروزه با گسترش محیط دیجیتال و اینترنت، توانایی تولید آثار طنز با بهره‌گیری امکانات فنی مانند دابس مش ارتقا یافته است که این موضوع ضرورت تفسیر استثنا به نفع مردم را بیشتر می‌کند. کافی است یک کاربر محیط مجازی نرم‌افزارهای خاص را برای تولید اثر طنز به کار گیرد، به این ترتیب قادر است با آثار ادبی و هنری دیگران شوخی و مزاح کرده و آن را در محیط اینترنتی منتشر کند. بنابراین، از یک سو، امکانات فنی، مردم را به خلق آثار طنز سوق می‌دهد و از سوی دیگر، مسئولیت کیفری و حقوقی ناشی از نقض کپی‌رایت در برابر افراد قرار دارد. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوقی درباره کاربران اینترنتی رخ می‌دهد (Yu, 2013, p.39). بی‌تردید نمی‌توان مردم را از تجربه دنیای مجازی و حضور در شبکه‌های اجتماعی منع کرد. همان‌طور که امروزه اشتراک‌سازی به بخشی از فرایند اجتماعی کردن نسل جدید مبدل شده است، چه جامعه به مفهوم گذشته، در اطراف فرد وجود ندارد و ایجاد محیط اشتراکی می‌تواند در تقویت جریان اجتماعی و تبادل فکر و اندیشه یاری‌رسان باشد (شاکری و حبیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۰). از سوی دیگر، مردم استفاده از فناوری‌های جدید برای خلق آثار طنز را نادرست نمی‌دانند و شاید بسی جای شگفتی باشد که بدانند این عمل نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری است. بنابراین، اینترنت در ایجاد توازن قدرت میان کاربران و مؤلفان مؤثر بوده و نقش کاربران در این میان بسیار جدی است (Schwabach, 2012, p.348). اما با وجود این، قانون همچنان چنین استفاده‌هایی را نقض تلقی می‌کند و استفاده‌کننده در معرض تعقیب قرار دارد. بنابراین، تعریف یک استثنا قانونی و تفسیر موسع از استثنا به سود مردم بسیار حیاتی است.

نتیجه

آثار طنز مبتنی بر آثار ادبی و هنری دیگران از گذشته‌های دور خلق شده و امروزه با ظهور فناوری‌های جدید، رواج بیشتری یافته است. بنابراین، چالش حقوقی تعارض حقوق مالکیت ادبی

و هنری اثر پیشین و اثر طنز روزبه‌روز جدیدتر شده است. برای حل این تعارض، راهکارهای متفاوتی در نظام‌های حقوقی مطرح می‌شود. در برخی موارد تلاش می‌شود اثر طنز را اثری اقتباسی تلقی کنند تا از هویت مستقلی برخوردار شود. در برخی موارد نیز به معیار استفاده منصفانه توسل می‌شود و در صورتی که اثر طنز با هدف و بیان متفاوتی از اثر اصلی خلق شود، این استفاده، نقض تلقی نمی‌شود. افزون بر این، در بعضی موارد در قوانین ملی، استثنا خاصی در زمینه استفاده‌های طنزگونه تعریف شده است که در سایه آزمون سه‌گام تحلیل می‌شود. سرانجام آنکه در همه این موارد مشترکاتی ملاحظه می‌شود و اگر استفاده‌های طنزآمیز هویت مستقلی داشته، اهداف استهزا، تمسخر و افترا را پیگیری نکند و بر بازار اثر اصلی تأثیر منفی نداشته باشد، مجاز است. با وجود این، تفسیر مضیق از آزمون سه‌گام یا استفاده منصفانه نمی‌تواند این دستاورد را به سهولت تأمین کند. از این رو، تفسیر موسع و درک مقتضیات ناشی از منافع عمومی قادر است دادرسان را در تحلیل این استثنا یاری رساند. بی‌تردید، درک اینکه ظهور فناوری‌های نوین مانند دابس مش ابزار خلق اثر طنز را ایجاد کرده است و مردم نیز در استفاده از آن‌ها توجهی به ابعاد مجرمانه ندارند و این عمل را فاقد قبح اجتماعی می‌دانند، می‌تواند در تحلیل این استثنا مفید باشد. بنابراین، می‌توان گفت، آثار طنزی که جنبه تجاری ندارند و قرار نیست سود تجاری از آن‌ها به‌دست آید، یا فروش آن‌ها تأثیر چشمگیری بر اثر اصلی ندارد، با بهره‌برداری عادی از اثر در تعارض نیستند. افزون بر این، صرف تغییر اثر اصلی به معنای ناقض حق بودن اثر طنز نیست و باید اصالت و خلاقیت اثر طنز نیز واکاوی شود و سرانجام به این توجه شود که اثر طنز، حیثیت و اعتبار مؤلف اثر اصلی را مخدوش کرده است یا خیر؟

در نظام حقوق کنونی ایران، استفاده‌های طنزآمیز از آثار دیگران نقض حق تلقی می‌شود و هنوز استثنائی به سود شهروندان مقرر نشده است. از این رو، نگارنده در خاتمه این پژوهش ماده‌ای را برای تصویب در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌کند:

استفاده‌های طنزآمیز از اثر ادبی و هنری دیگری با رعایت موارد ذیل مجاز است:

- با هدف شوخی انجام گیرد؛

- نام مؤلف و هنرمند اثر اصلی ذکر شود؛
- تغییر اثر اصلی به حیثیت و اعتبار مؤلف اصلی لطمه وارد نکند؛
- استفاده طنزآمیز با بهره‌برداری عادی از اثر تعارض نداشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۲). سه گام؛ آزمونی فراروی مصرف‌کنندگان آثار ادبی و هنری. فصل‌نامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۶۱، صفحات ۲۴۸-۲۰۹.
۲. حبیبیا، سعید و شاکری، زهرا (۱۳۹۴). منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. خاتمی، احمد و باقری، الهام (۱۳۹۳). طنز روایی و کاربرد عرفانی آن در حدیقه، ادبی فارسی. مجله ادب فارسی، سال ۴، پیاپی ۱۳، صفحات ۵۲-۳۳.
۴. زرکلام، ستار (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری. چاپ دوم، تهران: سمت.
۵. شاکری، زهرا و حبیبیا، سعید (۱۳۹۲). اشتراک‌سازی آثار ادبی و هنری؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. مجله دانش حقوق مدنی، سال دوم، شماره اول، صفحات ۱۱-۱.
۶. شاکری، زهرا (۱۳۹۱). منافع عمومی و حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری. دومین همایش حقوق مالکیت ادبی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سالن همایش‌های صداوسیما، ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱.
۷. کرنو، ماری، دولامبرتوری، ایزابل، سیرنلی، پیر و والر، کاترین (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و حقوق مالکیت ادبی و هنری. ترجمه علیرضا محمدزاده و پژمان محمدی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. محسنی، سعید و قبولی درافشان، سید محمدمهدی (۱۳۹۵). بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه). فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۱، صفحات ۱۳۷-۱۱۷.
۹. معین، محمد (۱۳۵۳). فرهنگ فارسی معین. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر (۱۳۹۴). طنز چیست؟. برگرفته از http://www.iichs.org/index.asp?id=251&doc_cat=1 Last visit ۱۳۹۴/۱/۱۰ در تاریخ

۱۱. نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. جلد سوم، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام.
12. Adeney, E. (2005). Of personalities and personae: A French victory for film producers and authors. *Australian Intellectual Property Journal*, 16(2), 109- 122.
13. Aide, C. (1990). A more comprehensive soul: romantic conceptions of authorship and the Common Law doctrine of moral right. *University of Toronto Faculty of Law Review*, 48(2), 229-258.
14. Cornu, M. (2008). Notions juridiques du patrimoine et de la création: les entrelacs. *Revue générale de droit*, 38(2), 281-302.
15. Cowie, A.P. (Chief Editor) (1989). *Oxford advanced learner dictionary*. Fourth Edition, New York: Oxford University Press.
16. Griffiths, J. et al. (2015). *Limitations and exceptions as key elements of the legal framework for copyright in the european union – opinion on the judgment of the CJEU in Case C-201/13 Deckmyn* (February 13, 2015). Available at <http://ssrn.com/abstract=2564772>.
17. Pierre Hugo et SGDLc. Société Pion et François Céséra (2004). CA Paris .4e ch, 31 March 2004, 202 RIDA 2004.
18. Rosati, E. (2014). Just a matter of laugh? Why the CJEU decision in Deckmyn is broader than parody. *Common Market Law Review*, 2015, Forthcoming. Available at <http://ssrn.com/abstract=2526835>, pp.1-14.
19. Sainsbury, M. (2007). Parody, Satire, Honour and Reputation: The Interplay between Economic and Moral Rights. *Australian Intellectual Property Journal*, 18, 149-166.
20. Schwabach, A. (2012). *Reclaiming copyright from the outside in: what the downfall hitler meme means for transformative works, fair use, and parody* (April 15, 2012). Buffalo Intellectual Property Law Journal, 2012; Thomas Jefferson School of Law Research Paper No. 2040538. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2040538>.
21. Senftleben, M. (2012). *Quotations, parody and fair use* (July 31, 2012). 1912-2012: A Century of Dutch Copyright Law, P.B. Hugenholtz/A.A. Quaedvlieg/D.J.G. Visser, eds., Amstelveen: deLex 2012. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2125021>
22. Senftleben, M. (2014). *Copyright and creators' interests – rights and remuneration in the light of bourdieu's analysis of the field of literary and artistic production*. (November 11, 2014). Available at: <http://ssrn.com/abstract=2522855>.
23. UK Intellectual Property Office (2012). Impact Assessment BIS1057 on a copyright exception for parody (2012). Available at: <http://webarchive.nationalarchives.gov.uk/20140603093549>.
24. Yu, P.K. (2013). Digital copyright and the parody exception in Hong Kong: accommodating the needs and interests of internet users. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2349007>, November 2, 2013.